

افت ذخایر گاز و اختلال در عرضه جهانی LNG، ریسک جهش قیمت انرژی در اروپا را افزایش داده است

کابوس سرداروپا



گروه اقتصادی: بازار گاز اروپا در آستانه زمستان با مساله‌ای روبه‌رو شده است که برای دولت‌های اروپایی پیام‌نگران‌کننده‌ای دارد؛ مساله‌ای که اروپایی‌ها با آن مواجه شده‌اند ترکیبی از کاهش ذخایر، محدود شدن بخشی از عرضه جهانی گاز طبیعی مایع، وابستگی فزاینده اروپا به بازار نقدی ال‌ان‌جی (LNG) و نااطمینانی درباره آینده تنش‌های منطقه‌ای را شامل می‌شود. در واقع معادله‌ای ساخته است که در صورت هم‌زمانی چند عامل نامطلوب، می‌تواند هزینه انرژی در اروپا را بار دیگر به سطح‌های بسیار بالا برساند.

طبق گزارش اخیر رویترز، ذخایر گاز اتحادیه اروپا به کمتر از ۵۸ درصد ظرفیت خود رسیده است؛ پایین‌ترین سطح ثبت‌شده برای این مقطع از سال در مجموعه داده‌های موجود از ۲۰۱۱ و حدود ۱۲ واحد درصد پایین‌تر از سطح سال گذشته. البته این عدد به خودی خود به معنای کمبود قطعی گاز در زمستان نیست. اروپا پس از بحران ۲۰۲۲، مصرف گاز را کاهش داده، ظرفیت واردات ال‌ان‌جی را توسعه داده و سهم انرژی‌های تجدیدپذیر را بالا برده است. با این حال، حاشیه اطمینان بازار کوچک‌تر شده و همین نکته اهمیت دارد.

از منظر اقتصادی، مساله را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد که اروپا اکنون باید میان هزینه خرید گران گاز در تابستان، هزینه احتمالی مداخله برای پر کردن ذخایر و ریسک مواجهه با قیمت‌های بسیار بالاتر در زمستان دست به انتخاب بزند. اگر عرضه جهانی LNG در ماه‌های آینده ترمیم شود، خودداری از خرید شتاب‌زده می‌تواند تصمیمی منطقی باشد اما اگر اختلال در مسیر تنگه هرمز طولانی شود و زمستان سردی در پیش باشد، همین تصمیم ممکن است به بهای سنگینی برای خانوارها و صنایع اروپایی تمام شود.

■ **بازار از چه چیزی نگران است؟**

در بحران انرژی سال ۲۰۲۲، اروپا تجربه‌ای کم‌سابقه از شوک عرضه داشت. کاهش شدید جریان گاز روسیه پس از آغاز جنگ اوکراین، بازار را از منطق معمول عرضه و تقاضا خارج کرد و قیمت قراردادهای گاز اروپا برای مقاطعی به بالای ۳۰۰ یورو به ازای هر مگاوات‌ساعت رسید. دولت‌های اروپایی برای جلوگیری از تکرار آن تجربه، مقررات ذخیره‌سازی را تقویت کردند و برای مخازن گاز هدف‌های پر شدن تعیین شد. در سال‌های بعد این سیاست تا حد زیادی موفق بود. اتحادیه اروپا سال ۲۰۲۴ حتی پیش از موعد به ذخیره‌های بیش از ۹۰ درصد ظرفیت رسید و در پایان اکتبر همان سال سطح ذخایر حدود ۹۵ درصد بود. اندکی نزدیک به ۱۰۰ میلیارد مترمکعب که تقریباً یک‌سوم مصرف سالانه اتحادیه را پوشش می‌دهد.

اما تابستان امسال داستان متفاوت است. گزارش رویترز می‌گوید ذخایر در اوایل آگوست اندکی کمتر از ۵۸ درصد ظرفیت بوده است. این فاصله با سال گذشته در بازار انرژی یک پیام مهم دارد؛ اروپا برای رسیدن به سطح مطلوب پیش از زمستان باید در هفته‌های باقی‌مانده با سرعت بیشتری گاز خریداری و ذخیره کند، آن هم در بازاری که قیمت‌های کوتاه‌مدت خود بالاست. ظرفیت ذخیره‌سازی اتحادیه اروپا اندکی بیش از ۱۰۲ میلیارد مترمکعب است و در زمستان معمولی، برداشت از ذخایر می‌تواند تا حدود ۳۰ درصد مصرف زمستانی را پوشش دهد. از این منظر، ذخیره‌سازی بخشی از زیرساخت امنیت انرژی اروپاست.

■ **تنگه هرمز و مساله LNG**

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های امروز اروپا با بحران ۲۰۲۲، تغییر جغرافیای تأمین گاز است. اروپا طی سال‌های گذشته وابستگی خود به گاز خط لوله روسیه را به‌شدت کاهش داده و در مقابل ظرفیت دریافت ال‌ان‌جی را گسترش داده است. سهم گاز روسیه در واردات گاز

اتحادیه اروپا، شامل LNG و گاز خط لوله، از حدود ۴۵ درصد سال ۲۰۲۱ به ۱۲ درصد در سال ۲۰۲۵ کاهش یافته است. هم‌زمان، اتحادیه اروپا در مسیر حذف کامل ال‌ان‌جی روسیه تا پایان ۲۰۲۶ و گاز خط لوله روسیه تا نوامبر ۲۰۲۷ قرار گرفته است.

این تغییر برای امنیت انرژی اروپا یک دستاورد مهم محسوب می‌شود اما هزینه نیز دارد. LNG کالایی جهانی است و معموله آن را می‌توان به مقصدی فرستاد که قیمت بالاتری پیشنهاد می‌دهد، بنابراین اروپا در بازار LNG باید با آسیا، بویژه در زمان کمبود عرضه رقابت کند.

اختلال در تنگه هرمز این مساله را تشدید کرده است. پیش از بسته شدن تنگه، حدود یک‌پنجم تجارت جهانی نفت و ال‌ان‌جی از این آبراه میسر می‌شد و توقف جریان عادی آن، عرضه ال‌ان‌جی قطر به بازار جهانی را به‌شدت مختل کرد. اهمیت قطر در این میان از آن رو است که حذف ناگهانی بخش بزرگی از LNG این کشور تعادل بازار جهانی آن را تغییر می‌دهد. اروپا برای پر کردن مخازن خود ناچار می‌شود در مقابل خریداران آسیایی پیشنهادهای بالاتری ارائه کند و این رقابت، هزینه تأمین گاز را بالا می‌برد.

■ **معمای اقتصادی ذخیره‌سازی**

شاید مهم‌ترین بخش ماجرا همین تناقض باشد که اروپا به گاز ذخیره شده نیاز دارد اما قیمت‌های فعلی الزاما انگیزه اقتصادی کافی برای ذخیره‌سازی ایجاد نمی‌کند.

در بازار عادی، اگر گاز تابستان ارزان‌تر از گاز زمستان باشد، معامله‌گران می‌توانند گاز را در تابستان بخزند، ذخیره کنند و در زمستان بفروشند. اختلاف قیمت میان ۲ دوره، هزینه ذخیره‌سازی و هزینه مالی را جبران می‌کند. این ساختار که در بازار انرژی به «کانتانگو» شناخته می‌شود، انگیزه طبیعی برای پر کردن مخازن ایجاد می‌کند.

اکنون اما شرایط معکوس شده و بازار در وضعیت «بکواردیشن» قرار گرفته است؛ یعنی قیمت گاز تحویل نزدیک از قیمت برخی قراردادهای آتی بالاتر است. در نتیجه خرید گاز گران در تابستان، پرداخت هزینه نگهداری آن و امید به فروش ارزان‌تر در زمستان، از نظر تجاری جذاب نیست. به تعبیر ساده، بازار را معامله‌گر می‌گوید گازی را که امروز گران است نخر تا شاید فردا ارزان‌تر شود.

همین جاست که امنیت انرژی با منطق کوتاه‌مدت بازار برخورد می‌کند. بازار به دنبال سود و کاهش هزینه است. دولت به ذخیره‌ای نیاز دارد که ممکن است در یک زمستان بسیار سرد ارزش آن بسیار بیشتر از قیمت خرید اولیه باشد. مقام‌های اروپایی نیز این تضاد را پذیرفته‌اند. کمیسیون اروپا بهار امسال اعلام کرد شرایط بازار باید هنگام پر کردن ذخایر در نظر گرفته شود و استفاده از انعطاف قانونی برای هدف ذخیره‌سازی می‌تواند از فشار قیمتی ناشی از خرید شتاب‌زده جلوگیری کند. این سیاست یک محاسبه دشوار دارد که کمیسیون

اروپا باید میان پرداخت هزینه امروز و پذیرش ریسک فردا، انتخاب کند.

■ **زمستان در یک بازار**

برآوردهای مورد استناد رویترز از Energy Aspects، دامنه‌ای بسیار متفاوت برای قیمت گاز اروپا در زمستان ترسیم می‌کند. اگر رفت‌وآمد در تنگه هرمز عادی شود و عرضه LNG دوباره افزایش یابد، قیمت گاز می‌تواند در محدوده ۶۰ تا ۸۰ یورو به ازای هر مگاوات ساعت حرکت کند. این سناریو، هرچند گران‌تر اما محتمل اشاره دارد؛ سناریویی که از برخورد و ذخایر قابل کنترل خواهد بود.

سناریوی دوم اما به مراتب حساس‌تر است. اگر LNG قطر همچنان از بازار جهانی دور بماند و زمستان نیز سردتر از معمول باشد، میانگین قیمت روزانه گاز در فاصله نوامبر تا مارس می‌تواند به حدود ۱۱۰ یورو برسد و سطح ذخایر در پایان زمستان تا حدود ۱۰ درصد ظرفیت پایین بیاید.

اگر این رقم را با سطح حدود ۳۱ یورو در هر مگاوات ساعت که مبنای مقایسه گزارش رویترز است مقایسه کنیم، با افزایش بیش از ۳ برابر روبه‌رو می‌شویم. البته باید میان «قیمت در برخی روزهای بحران» و «میانگین قیمت دوره زمستان» تفاوت گذاشت. ۳ برابر شدن به معنای ۳ برابر شدن دائمی قیمت برای تمام مصرف‌کنندگان نیست اما نشان‌دهنده بزرگی شوک احتمالی بازار است.

سناریوی سوم از این هم سنگین‌تر است. اگر

اروپا بخواهد در پایان زمستان حاشیه امن ذخایر خود را تا حدود ۱۶ درصد حفظ کند، برآورد مذکور میانگین قیمت را تا حدود ۲۱۰ یورو به ازای هر مگاوات ساعت بالا می‌برد. این سناریو بیش از آنکه پیش‌بینی قطعی باشد، نشان‌دهنده هزینه اقتصادی حفظ یک حاشیه امنیت بزرگ در بازاری کم عرضه است.

بنابراین باید توجه داشت که زمستان سخت را نباید یک پیشگویی قطعی دانست. این عبارت در اقتصاد انرژی بیشتر به یک سناریوی پرریسک اما محتمل اشاره دارد؛ سناریویی که از برخورد هم‌زمان سرمای شدید، ذخایر پایین و عرضه محدود LNG ساخته می‌شود.

■ **اروپا آسیب‌پذیرتر شده است**

تصور اروپا البته نباید یک‌سویه ترسیم شود. این قاره نسبت به سال ۲۰۲۲ گاز کمتری مصرف می‌کند و سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در آن افزایش یافته است. ظرفیت واردات LNG نیز رشد کرده و شبکه انرژی اروپا نسبت به ۴ سال قبل تنوع بیشتری دارد. کمیسیون اروپا در ارزیابی‌های رسمی خود همچنان اعلام کرده است در شرایط فعلی، نگرانی فوری درباره تأمین گاز زمستان آینده وجود ندارد و رسیدن به سطح ۸۰ درصد ذخایر برای تأمین زمستان کافی ارزیابی می‌شود.

پس میان «ریسک افزایش شدید قیمت» و «خطر قطعی کمبود فیزیکی گاز» باید مرزبندی کرد. نخستین مورد بسیار محتمل‌تر و از نظر اقتصادی مهم‌تر است. ممکن است اروپا گاز



واماندگان!

هر چیز در پی رها کردن تنگه هرمز از کنترل ایران است. پلیتیکو آمریکایی‌های دولتی را در رابطه با ایران، به ۳ دسته تقسیم می‌کند؛ یکی از این دسته‌ها صداهایی است که تصور می‌کنند با ادامه فشار بر اقتصاد ایران، در نهایت روزی ایران فروخواهد پاشید ولی حتی اینان هم مشغول آرزوفروشی‌اند: «محاسبه نقطه شکست ایران بسیار دشوارتر از چیزی است که بسیاری در این اردوگاه تصور می‌کنند. همان مقام آمریکایی آشنا با راهبرد خاورمیانه‌ای دولت، با لحنی آکنده از سرخوردگی، خاطرنشان کرد دولت آمریکا دهه‌هاست همیشه ارزیابی کرده اقتصاد ایران در آستانه فروپاشی است. افزون بر این، اگر آمریکا محاصره کشتی‌های ایرانی را ادامه دهد، احتمالاً ایران نیز محاصره خود بر کشتیرانی جهانی در

مساله دیگر به نوشته پلیتیکو، نامیدی در میان آمریکایی‌هاست: «در میان برخی مقام‌های رده‌های پایین‌تر دولت، نوعی احساس نومیدی به چشم می‌خورد. یکی از مقام‌های آمریکایی آشنا با راهبرد خاورمیانه‌ای دولت می‌گوید «من هیچ راهی برای خروج از این وضعیت نمی‌بینم». به گفته این مقام، تیم ترامپ حاکمان ایران را «اساساً بد فهمیده است». ترامپ و دستیارانش همیشه تصور کرده‌اند کافی است فشار و درد را بیشتر و بیشتر کنند تا ایران فروپاشد اما نظام ایران قرار نیست فروپاشد. ترامپ جنگ را با عزم پایان دادن به برنامه هسته‌ای ایران، نابودی بخش بزرگی از توانمندی‌های نظامی این کشور و اشاراتی به تغییر رژیم آغاز کرد اما اکنون به نظر می‌رسد بیش از

افزایش گسترده شمار نیروهای آمریکایی در کنار اقدامات دیگری مانند متقاعد کردن رهبران قبایل سنی به پیوستن به آمریکا در نبرد علیه القاعده، به تغییر روند جنگ کمک کرد. ایران چالش متفاوتی پیش روی آمریکا می‌گذارد. این کشور بزرگ‌تر است، آمریکا در آن نیروی زمینی ندارد، نظام سیاسی همچنان بر سر کار است و اقدامات تلافی‌جویانه‌اش متحدان آمریکا را در سراسر خاورمیانه تحت تأثیر قرار می‌دهد. افزون بر این، هیچ تضمینی وجود ندارد که اقدامات نظامی بیشتر به سقوط جمهوری اسلامی منجر شود. جمهوری اسلامی به شکلی در سراسر ایران ریشه دوانده که دیکتاتوری شخص‌محور صدام در عراق هرگز چنین جایگاهی نداشت. افزون بر این، حس ملی‌گرایی ایرانیان ممکن است بر تلاش‌ها برای ایجاد شکاف قومی میان آنها غلبه کند».

ادامه از صفحه اول

بر مبنای گزارش، زمانی که کار جنگ در عراق بسیار گره خورده، آمریکایی‌ها طرح‌هایی برای بدتر نشدن وضعیت و کمی بازر تر کردن گره داشتند اما هیچ کدام از آن طرح‌ها هم حتی به کار جنگ علیه ایران نمی‌آید چون ساختار سیاسی ایران اصلاً قابل مقایسه با رژیم پوسیده عراق نبوده و نیست: «در عراق میانه دهه ۲۰۰۰ نیز در حالی که شمار کشته‌ها مدام بالا می‌رفت، واشنگتن برای یافتن راهی رو به جلو تقلاً می‌کرد. پیشنهادها از خارج کردن نیروهای آمریکایی از مراکز جمعیتی تا تقسیم عراق به ۳ منطقه را در بر می‌گرفت. در نهایت،

کافی برای عبور از زمستان داشته باشد ولی برای تهیه آن ناچار شود قیمت بالایی بپردازد. در ادبیات اقتصادی اما امنیت عرضه همیشه به معنای عرضه ارزان نیست.

این تمایز برای صنایع اروپایی اهمیتی ویژه دارد. گاز تنها سوخت نیروگاه‌ها یا وسیله گرمایش خانه‌ها نیست، بلکه ماده اولیه یا نهاده مهم بسیاری از صنایع، از پتروشیمی و کود شیمیایی تا شیشه، فولاد و صنایع غذایی است. جهش قیمت گاز می‌تواند هزینه تولید، تورم و توان رقابت بنگاه‌های اروپایی را تحت فشار قرار دهد. از سوی دیگر، افزایش قیمت برق نیز می‌تواند از مسیر نیروگاه‌های گازی به بازار برق سرایت کند.

نشانه‌هایی از این پیوند هم‌اکنون دیده می‌شود. رویترز گزارش داده است موج گرمای تازه در اروپا، هم‌زمان با کاهش تولید هسته‌ای فرانسه و افت تولید برق بادی آلمان، قیمت برق روز بعد را در فرانسه و آلمان بیش از ۲۰ درصد بالا برده است. همچنین در آلمان، کاهش تولید باد می‌تواند وابستگی بیشتری به نیروگاه‌های گازی ایجاد کند.

■ **جمع‌بندی**

اروپا در آستانه زمستانی است که نشانه‌های آن از الان در سطح هشدار قرار گرفته است. ذخایر گاز اتحادیه اروپا به کمتر از ۵۸ درصد ظرفیت سقوط کرده است؛ پایین‌ترین سطح ثبت شده برای این مقطع سال از سال ۲۰۱۱ و حدود ۱۲ واحد درصد کمتر از وضعیت مشابه در سال گذشته. این کاهش ذخایر، در کنار اختلال جدی در عرضه گاز طبیعی مایع از مسیر تنگه هرمز (بویژه خروج محموله‌های قطر از بازار جهانی)، معادله انرژی اروپا را به سمت آسیب‌پذیری چشمگیری سوق داده است. خود گزارش رویترز نیز به صراحت به این نکته اذعان دارد که هم‌زمانی سرما، ذخایر پایین و عرضه محدود، سناریوی افزایش شدید قیمت را بسیار محتمل می‌سازد.

بر اساس ۳ سناریوی مطرح شده در این گزارش، قیمت گاز اروپا در زمستان پیش رو می‌تواند دامنه‌ای از ۶۰ تا ۲۱۰ یورو به ازای هر مگاوات ساعت را دربر گیرد. برای درک ابعاد این اعداد، کافی است به قیمت شاخص TTF نگاه کنیم که پیش از تشدید جنگ اوکراین و در زمستان سال گذشته حدود ۳۱ یورو بود، در حالی که همین شاخص اواخر ژوئیه به نزدیکی ۶۰ یورو رسیده و اکنون در حوالی ۵۳ یورو نوسان می‌کند. طبق برآوردها، اگر اختلال عرضه قطر تداوم یابد و زمستان سردتر از معمول باشد، میانگین قیمت روزانه در فاصله نوامبر تا مارس می‌تواند به حدود ۱۱۰ یورو برسد، یعنی بیش از ۳ برابر میانگین زمستان گذشته. این رقم سناریویی است که خود تحلیلگران با صراحت آن را «محتمل» ارزیابی کرده‌اند.

بنابراین، آنچه اروپا را در آستانه این زمستان نگران می‌کند، مساله‌ای فراتر از کمبود گاز فیزیکی است؛ مساله اصلی در واقع ریسک جهشی بی‌سابقه در هزینه تأمین انرژی است. بازار انرژی هم‌اکنون در وضعیت «بکواردیشن» قرار دارد که به وضعیتی گفته می‌شود که قیمت گاز برای تحویل فوری (همین الان) بالاتر از قیمت گاز برای تحویل در آینده (مثلاً زمستان) است. یعنی بازار با فعالان اقتصادی می‌گوید «الان گاز گران است ولی احتمالاً در ماه‌های بعد ارزان‌تر می‌شود. همین مساله انگیزه اقتصادی برای ذخیره‌سازی را تضعیف کرده است اما دولت‌های اروپایی ناچارند میان پرداخت قیمت بالای امروز و پذیرش شوک بسیار سنگین‌تر فردا یکی را انتخاب کنند. ۳ برابر شدن قیمت نسبت به زمستان گذشته، اگرچه به معنای تداوم دائمی آن برای همه مصرف‌کنندگان نیست ولی پیامی روشن دارد: اروپا دیگر حاشیه امن گذشته را ندارد و هر عاملی از سرمای شدید تا تداوم بحران تنگه هرمز، می‌تواند زمستانی پرهزینه‌تر از آنچه پیش‌بینی می‌شود، رقم بزند.



سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱